

جلال ناخوانده!

گفتگویی با محمدحسین دانایی بر پایه یادداشت‌های منتشر نشده آل احمد
در باره "غربزدگی" و "در خدمت و خیانت روشفکران"

غلامرضا خاکی

مقدمه

بسیاری از ما دانشجویان رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی در ابتدای انقلاب نمی‌دانستیم در چه جامعه‌ای زندگی می‌کنیم و در چه چرخشگاه تاریخی‌ای حضور داریم. ما ترجمه‌های نادقیق مکتب پوزیتیویسم را حفظ می‌کردیم و امتحان می‌دادیم. بیشتر استادان زیر نفوذ آموزه‌هایی پیدا و پنهان و شعارهای چپ‌گرایانه‌ای که می‌دادند، به جهان و ایران می‌نگریستند و به این و آن برچسب غربزدگی می‌زدند. آنان به سادگی خیلی از خادمان به ایران را خائن معرفی می‌نمودند و با آگاهی اندکی که درباره مبانی تمدنی غرب داشتند، مدعی بومی‌گرایی، اسلامی‌سازی و تحول در علوم انسانی بودند و عده‌ای نیز هنوز هستند. بیشتر استادان حوزه تحصیلی نگارنده از واقعیت‌های دنیای کسب‌وکار و چندوچون زمینه‌های تاریخی ایران و معادلات حاکم بر آنها نیز بی‌خبر بودند. آنها حتی نمی‌توانستند مرز میان کارآفرین با سرمایه‌دار را تعریف کنند. امروز که می‌نگریم، حاصل کارشان حتی یک نهضت ترجمه هدفمند نیز نشد، چه رسد به نقد تئوری‌های موجود و ارایه نظریه‌ها و مدل‌های رقیب. نسل ما در فضای جهل چندبعدی گرفتار بود.

دوباره آل احمد

منطق نظام اداری و مدیریت ایران با نیم‌قرن پیش تفاوت چندانی نکرد و در عالم معرفت نیز چالش اصلی فیلسوفان، همانا تعیین نسبت میان ذهن و زبان و حقیقت بود که ما از آن بی‌خبر بودیم. نتیجه چنین شرایطی آن شد که ما قانونمندی‌های تاریخی و اقتضاهای فرهنگ ایران و جهان را ندانستیم و نفهمیدیم، لذا نگارنده پس از چند کار تخصصی، دوباره به آرای آل احمد توجه کرد. بی‌گمان باید آل احمد را یکی از توسعه‌دهندگان تفکر انتقادی در جریان روشنفکری پیش از انقلاب ایران دانست. نظریه "غربزدگی" اش هم حاصل همین تفکر انتقادی بود. نگارنده نیز در فرآیند نگارش چند کتاب تخصصی با رویکرد بینارشته‌ای با مرکزیت ایران‌شناسی، با پرسش‌های گوناگونی به شرح زیر روبرو شد:

- ۱) ماهیت و ابعاد اندیشه ایرانی چیست و تا کجاست؟
- ۲) افق تفکر ایرانی در کجای سپهر تفکر نوین جهانی قرار گرفته است؟
- ۳) چه برداشتهایی از مفهوم غرب در ادبیات روشنفکری ایران وجود دارد؟
- ۴) آیا روشفکران ایرانی از دیرباز بسترسازان و کارگزاران جهانی‌سازی در مفهوم غربی آن هستند؟

(۱) رویکرد انتقادی، امکان شناخت بهتر از اثربخشی نظریه‌های علوم انسانی و اجتماعی در حل چالش‌های جامعه ایران را فراهم می‌آورد و از مغالطه و سفسطه‌ورزی در میان سطوح گوناگون افراد جلوگیری می‌نماید.

در رویکردی تاریخی - تحلیلی رفته‌رفته این نوع پرسش‌ها به نسبت وضعیت ایران معاصر با جهان غرب در چارچوب مفهوم "غربزدگی" پیوند یافتند و در قالب سه پرسش کلی زیر صورت‌بندی شدند:

۱) سیر تاریخی و فکری یکی از نظریه‌های مؤثر بر وضع جدید ما، یعنی "غربزدگی" چگونه بوده است و چه رخدادهای فکری و تجربه‌های معنوی در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند؟

۲) روشنفکران ایرانی از نگاه ایده‌پرداز "غربزدگی"، در فرآیند مدرنیته ایرانی چه خدمات‌ها و خیانت‌هایی در نظر و عمل داشته‌اند؟

۳) آیا آل‌احمد به آسیب‌های واقعی جامعه توجه داشته، یا فقط در کلیات سخن می‌گفته؟ به سخن دیگر، آیا وی مانند تک‌نگاری‌هایش به موردکاوی (case study) اجتماعی هم می‌پرداخته، یا خیر؟

ضرورت و هدف اصلی کتاب

هر جامعه‌انواعی از تاریخ دارد، یکی از آنها، تاریخ اندیشه در شاخه‌های گوناگون است. مشهور است آنانی که سرگذشت و تاریخ خود را ندانند و آن را به یاد نسپارند، محکوم به تکرار چندباره اشتباه‌های خود هستند. متأسفانه بسیاری از ایرانیان آگاهی درست و مستندی از تاریخ عمومی خود ندارند. آنها بیشتر اسیر تحلیل‌های اسطوره‌ای و روایت‌های بزرگ‌نمایانه و کوچک‌نمایانه از گذشته هستند. بیشتر ایرانیان در کمال شگفتی، اسیر احساس نوستالژی تاریخی نیز هستند، احساسی که نوعی دلتنگی و اشتیاق نسبت به گذشته و تکرار زمان‌های سپری‌شده است، در حالی که ما برای زیستن کارآمد در توفان انقلاب صنعتی چهارم، باید در پی آن باشیم تا چگونگی سیر جهان نوین در تاریخ معاصر را درک نماییم. بدون تردید یکی از رسالت‌های روشنفکران جامعه ما، اصلاح این نگرش است، زیرا روشنفکران هر عصری مسوول چون‌وچراکردن در باورهای گذشته و روشنگری مسیرهای تازه برای نسل‌های امروز و فردا هستند. میشل فوکو درین زمینه می‌گوید: «وظیفه روشنفکر این نیست که به دیگران بگوید چه باید کنند، او به چه حقی می‌خواهد این کار را بکند؟ ... کار روشنفکر، شکل دادن اراده سیاسی دیگران نیست. کار او این است که از طریق تحلیل‌هایی که در رشته خودش انجام می‌دهد، آنچه را که بدیهی فرض می‌شود، بارها و بارها به پرسش بخواند، عادات فکری مردم و نحوه کار و فکرکردن آنان را برهم بزند، آنچه را که مانوس و مقبول است، پراکنده کند و قواعد و نهادها را بازسنجی نماید...»

آل‌احمد در همین راستا می‌کوشید و در نتیجه، آثارش هم از نظر محتوا و هم از نظر فرم دارای اهمیت هستند. آل‌احمد در گشت‌وگذارهایش در حزب‌ها و مکتب‌ها، شک‌های فکری و فلسفی گوناگونی را تجربه کرد. به همین علت، کندوکاو در آن دسته از آثار او که جریان‌سازند و جزیی از میراث جریان‌سازی تاریخ روشنفکری ما بشمار می‌روند، یک ضرورت است. آنها را باید نیک شناخت تا بتوان آنها را به‌نیک‌ی نقد کرد، زیرا نقد و ارجاع تاریخی به آنها هم می‌تواند الهام‌بخش مقاومت در برابر وادادگی‌های فرهنگی رایج باشد و هم باطل‌کننده نفی‌های فرصت‌سوز.

واقعیت این است که ایران کنونی در نظام بین‌الملل در چارچوب تعامل با نظام سلطه جهانی با چالش‌های بسیاری روبرو است. پاره‌ای از نظریه‌پردازان وقوع این شرایط را بازتاب و تداوم تأثیرگذاری ایده "غربزدگی" آل‌احمد در ذهن تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران ارزیابی می‌کنند، عده‌ای دیگر نیز تخریب و تضعیف جایگاه روشنفکری تا زمانه ما را یکی از پیامدهای حمله‌های او به روشنفکران بشمار می‌آورند. برخی هم در پروژه مقصریابی برای نابهنجاری‌های کنونی، سهم آل‌احمد را بسیار می‌دانند و در این داوری دچار زمان‌پریشی

(Anachronism) می‌شوند. لذا ارایه پاره‌ای اطلاعات جدید و دیدگاه‌های منتشر نشده و ناگفته‌های او، موجب می‌شود تا این مغلطه کمرنگ و این شیوه تحلیل اصلاح شود. به عبارت دیگر، برای غلبه بر چالش تعارض‌زای موجود بین هراس از "غربزدگی" از یک طرف، و حضور فعال‌تر در فرآیند جهانی‌شدن از طرف دیگر، باید نقش بازدارندگی و آشفته‌ساز نظریه‌های آل‌احمد را در ذهنیت تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کلان کشور بهتر فهمید. انجام چنین کاری هم نیازمند بازخوانی و فهم سیر تکوین دیدگاه‌های او و ارزیابی نقادانه تاریخی آنها است. کتاب "جلال ناخوانده" در پی نقد تحلیلی ساختار و محتوای آثار آل‌احمد و دفاع از شخصیت و گفته‌ها و نوشته‌ها و کرده‌های او نیست، بلکه کندوکاوی هدفمند در سیر شکل‌گیری سه کتاب مهم اوست تا بتوان گوشه‌هایی از اوضاع روانی، ارتباطی و چگونگی زمانه و زمینه‌های او را تشریح کرد و روشن نمود که سیر نگارش و تکامل اندیشه بنیادین کتاب‌های "سه مقاله دیگر"، "غربزدگی" و "در خدمت و خیانت روشنفکران" چه تأثیری بر فرآیند شکل‌گیری داشته است؟

روش‌شناسی کتاب

نگارنده رویکرد پژوهش خود در کتاب حاضر را *خاطره‌خوانی تحلیلی* می‌نامد که بر تاریخ‌نگاری فکری (Intellectual History) تمرکز دارد. او این رویکرد را برای پاسخیابی به پرسش اصلی تحقیق برنهاد است. در این رویکرد، مجموعه‌ای از پرسش‌ها در برابر یک متن (متون) مطرح می‌شوند، متنی که حاوی گزارشی از سیر تکوین یا انجام کاری در طول یک دوره زمانی می‌باشد.

منابع اصلی پژوهش

بررسی حاضر از جنس تاریخ شفاهی نیست، بلکه نوعی کندوکاو و پژوهش در متن (سند مکتوب) است، لذا در فرآیند تحقیق ابتدا پرسش‌ها و پاسخ‌ها در دیدارهای حضوری به صورت شفاهی مطرح شدند و سپس برای افزایش دقت و تکمیل سندکاوی، مرحله کندوکاو کتبی و چندرسانه‌ای بین طرفین انجام گرفت. منبع اصلی این کاوش نیز یادداشت‌های روزانه منتشرشده جلال آل‌احمد است که چندچون آنها در پیوست (ب) کتاب آمده است. شایان ذکر است که آل‌احمد در لابلای یادداشت‌های روزانه خود، از فرایند خلق و نقد و تکامل ایده‌های خویش سخن می‌گوید و مطالب گوناگونی را نیز مطرح می‌کند، مانند مسایل شخصی و ویژگی‌های فردی و رفتاری خود، همسر، معاشران، معاصران، اعضای خانواده و دوستان، همراه با تشریح و تحلیل عملکرد تاریخی افراد، توصیف مکان‌ها و زمان‌ها و مسیرهای سفرهای داخلی و خارجی، ویژگی‌های مردم‌شناسی ایرانیان و غیرایرانیان، تحولات سیاسی گذشته و حال ایران و جهان و سرانجام، چگونگی گفتگو و تعاملات خود با دیگران.

ساختار کتاب

کتاب "جلال ناخوانده" از اجزای زیر تشکیل شده است:
پاره نخست: در آستانه گفتگو،
پاره دوم: کندوکاوی درباره کتاب و نظریه "غربزدگی"،
پاره سوم: تأملی بر کتاب "در خدمت و خیانت روشنفکران"،
پیوست (الف) کاوشی در ابعاد وجودی آل‌احمد،

پیوست (ب) در چندوچون یادداشت‌های روزانه جلال آل احمد،
پیوست (ج) تحلیل تحت عنوان "در نیایشگاه تکنولوژی".